سرآمد اقتصاد
روزنامه
www.Eghtesadsaramad.ir
شنبه-۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴-سال یازدهم- شماره ۲۱۹۷ - قیمت: ۲۰۰۰۰تومان
eghtesadsaramad @Eghtesadsaramad

سرآمد گزارش می‌دهد؛

مصوبات جدید برای نوسازی ناوگان کشتیرانی ایران

۶

شهردار بندر لافت در گفت‌وگو با سرآمد:

مدیریت بومی لافت بر پایه فرهنگ و تاریخ قشم است

۱

دانشگاه شریف میزبان نخستین همایش هوش مصنوعی در صنایع دریایی، سرآمد گزارش می‌دهد

تحقق آرزوی دیرینه انجمن مهندسی دریایی ایران

» انجمن مهندسی دریایی و انجمن هوش مصنوعی ایران پای کار آمدند

» همایش دو روزه با سخنرانی‌های کلیدی، نمایشگاه فناوری، کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های تخصصی برگزار شد

۴و۵

سرآمد از ماجراجویی یک رسانه آمریکایی گزارش می‌دهد

اتحاد بر محور «خلیجِ تا ابد فارس»

واکنش سازمان ملل به جعل نام خلیج فارس

۲

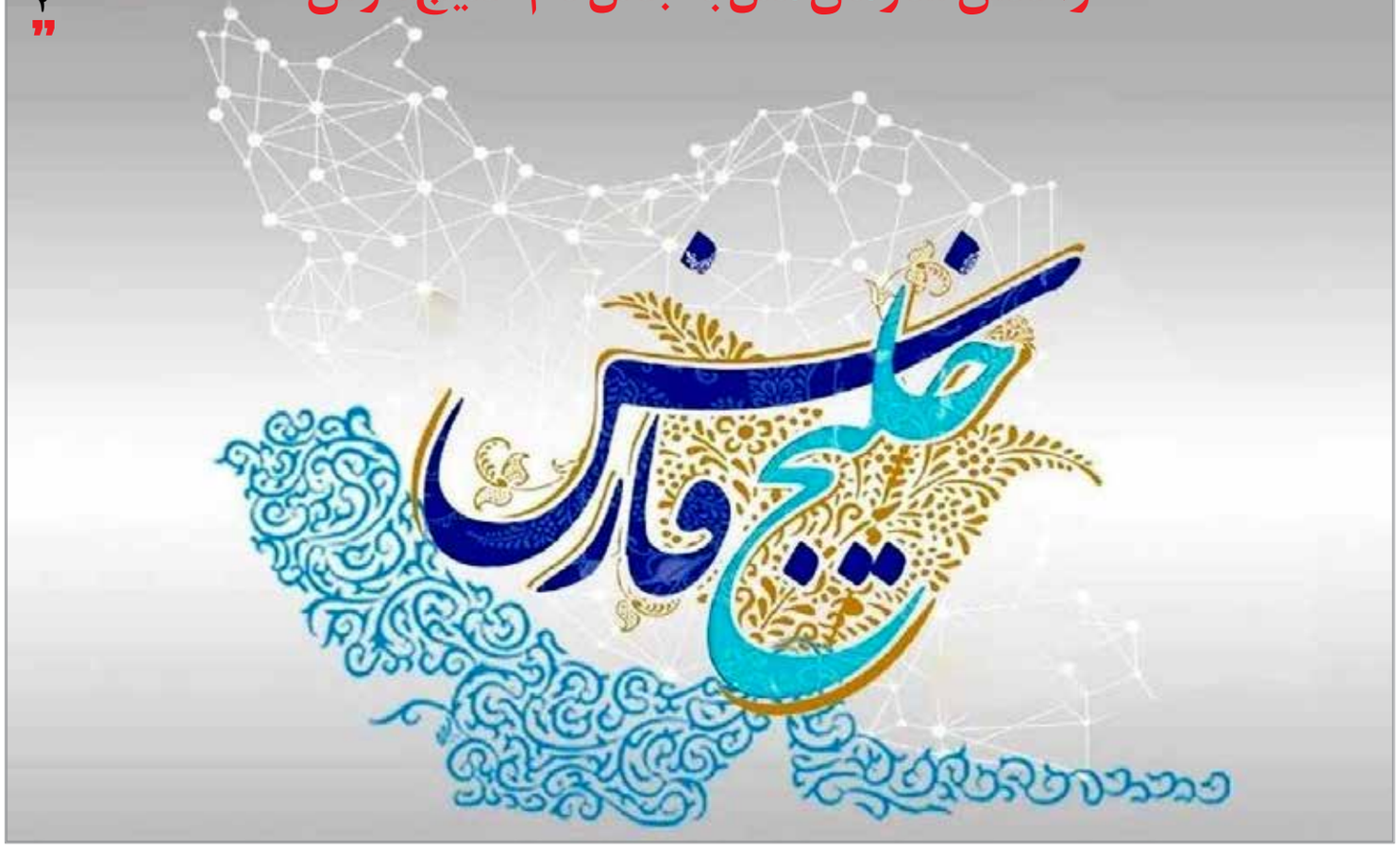

باشماهستیم
باتحلیل‌های دریایی روزنامه اقتصاد سرآمد
www.eghtesadsaramad.ir
تلفن: ۸۸۷۶۹۲۲۷ - ۰۲۱ همراه: ۰۹۱۹۸۵۴۳۹۹۶

شهردار بندر لافت در گفت‌وگو با «روزنامه سرآمد»:

مدیریت بومی لافت بر پایه فرهنگ و تاریخ قشم است

میراث فرهنگی ما نسخه‌ای درمانگر است، نه یادگاری گذشته

نمایشگاه «سر زورزوما» روایتی از حفاظت از ذخیرگاه زیست کره حرا و احیای میراث لنج‌سازی چوبی ایران، در روستای گوران در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد.

به گزارش روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد، در آیین اختتامیه این نمایشگاه، فرصتی شد تا با محمد آتشین‌ماه، شهردار بندر لافت هم‌صحبت شویم. آتشین‌ماه روایت خود را با لحن دریا از توسعه در بافت تاریخی و فرهنگی قشم و با بیانی شاعرانه گفته است.

محمد آتشین‌ماه، شهردار بندر لافت در حاشیه حضور در فرهنگسرای نیاوران-تهران در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه دریایی اقتصاد سرآمد گفت: وقتی به‌دنبال الگوی مدیریت شهری برای لافت بودم، همراه یک صیاد رفتم دریا. وقتی خواستم نوشیدنی‌ام را بخورم، صیاد گفت: «شهردار حواست باشد که شیشه نوشیدنی‌ات را به دریا نیندازی!» آنجا بود که فهمیدم اهل دریا، باید با زبان دریا صحبت کند.

وی در ادامه افزود: از سفرهای گپ دریایی که برمی‌گشتیم، اهل خانه منتظر ما بود، آوای ما توسط باد به گوش بادگیر و اهل خانه می‌رسید؛ به دوسبک متفاوت، اما همگون-بادگیر قاصدی بود از دریانوردان بر اهل خانه، از نخلستان تا دریاها و سفرهای گپ!

وی اظهار داشت: تابستان که می‌شد در نخلستان‌ها بودیم. به شهری ماه (شهریور) که نزدیک می‌شدیم به خانه‌های‌مان بازمی‌گشتیم، درها را بازمی‌گذاشتیم تا گرما را به بیرون از خانه‌ها دعوت کنیم. گرما که بیرون می‌رفت، با زنان گل سفیدو را می‌آوردیم و خانه را سفید می‌کردیم و خانه رنگ‌وبوی تازه می‌گرفت و بعد از فصل‌ها، در خانه عشق و صفا دوباره جریان پیدا می‌کرد.

شهردار بندر لافت تصریح کرد: معماری ما با کوچ موقت عجین شده بود؛ هنگامی گرما از خانه خارج می‌شد، زیر بادگیرهای‌مان می‌نشستیم و در زمان دیگر به پشت‌بام کوچ می‌کردیم. امروز علم روان‌شناسی هم از ابعاد پنهان در معماری صحبت می‌کند، انسان وقتی در یک فضا قرار دارد و مانند اتاق انسان‌های امروز با سبک زندگی امروزی که حتی تختخواب در یک فضا طی سالیان جابه‌جا نمی‌شود، امکان دارد به افسردگی برسیم.

آتشین‌ماه ادامه داد: اما در معماری ما، کوچ‌نشینی فصلی و روزانه وجود داشته؛ ما گاهی زیر بادگیر بودیم، گاهی زیر ساوات بودیم، گاهی بر پشت‌بام. به همین دلیل که بچه‌های ما، کودکان ما، ناخدایان ما با نجوم آشنایی خیلی قوی دارند؛ ناخدایی که با ماه و ستاره به دریا می‌رفت و کودکان با ستاره‌ها خواب‌شان می‌برد و این نتیجه هوشمند زیستن مردم این سرزمین بود که در محدودیت‌ها هنر زاییده و خلاقیت شکوفا شده است؛ به باد گفتند که چقدر با بادگیر حق دارد وارد خانه شود، به آفتاب گفتند که چقدر حق دارید با ساوات در خانه بتابد!

وی می‌گوید: در زمانی که هیچ آب پایداری وجود نداشته است، توانستند با رواناب‌هایی که موقتی راه می‌افتاده است، مخزن‌هایی مانند چاه و برکه و ... را پر کنند و آب‌شرب، آب احشام و حتی آب ساخت‌وساز را تأمین کنند.

شهردار بندر لافت در ادامه گفت: در بندر تاریخی لافت چاه‌هایی تاریخی وجود داشته که کاربری خاص خود را دارند؛ برای شربت عروسی از یک چاه خاص باید برداشت می‌شد؛ برای ساخت‌وساز از یک چاه دیگر و برای کسی که بیمار بود چاه خاصی وجود داشت و مدیریت منابع آبی به خوبی انجام می‌شد.

آتشین‌ماه ادامه داد: ما انتظار را از زمان یاد گرفتیم، صبر را از ناخداها، دل می‌بستند، اعتماد داشتند. صبر را از ناخداها آموختیم. آن‌ها که همه جان‌شان را به خدا می‌سپردند و ما با تمام اعتماد به آن‌ها تکیه می‌کردیم. حرف بسیار است. امیدوارم که این جشنواره‌ها و برنامه‌ها فقط نمایشی نباشند، بلکه نسخه‌ای برای درمان شهرهای امروز شوند. ما در بادگیرهای لافت سنجنده گذاشتیم، پنج‌ثانیه یک‌بار دما و فشار را اندازه گرفتیم. جریان باد، سیرکولاسیون آن در بافت تاریخی، نحوه ورودش به بادگیر، همه این‌ها الگویی شد برای مدیریت انرژی. بادگیر گاهی با دمای بدن انسان کار می‌کرد، نه با وزش باد. ما باید از این میراث برای امروز الگو بگیریم. مصالح سنتی ما، اگر یک سمتش گرم باشد، سمت دیگر خنک است، همین ویژگی می‌تواند جای سه‌کولر را بگیرد. میراث فرهنگی ما نسخه‌ای درمانگر است، نه‌فقط یادگاری از گذشته.

مقاله

چشم‌انداز تعمیق اتحادهای تجاری توسط چین

توحید ورستان

۸

یادداشت

سه ماه فرصت سوزی در سازمان بنادر و دریانوردی

ایرج گلشنی - حدود سه ماه از کناره‌گیری رییس سابق سازمان بنادر و دریانوردی می‌گذرد و تا امروز وزارت راه و شهرسازی موفق به جایگزینی این مسئول در مهم‌ترین سازمان دریایی کشور نشده است. یا حداقل به صورت رسمی حکم ریاست برای صدارت این سازمان صادر نشده است.

با توجه به شعارهای رئیس دولت چهاردهم در توسعه دریایی کشور و گزارش کار او که می‌گویید: هیچ هفته‌ای نیست که در باره توسعه دریایی جلسه نداشته باشم؛ این حیرت و شگفتی برای اهالی دریاست که چرا به مهم‌ترین و گسترده‌ترین سازمان دریایی کشور که در توسعه دریایی کشور سرنوشت‌ساز است هیچ توجهی نکرده است؟ فاصله شعار تا عمل از نگاه اهالی دریا بسیار زیاد است.

انتظار اهالی دریا

عموم دریایی‌ها تصور می‌کردند که دولت با برنامه عمل می‌کند و مثلا مانند شیلات، تودیع و معارفه رییس همزمان است. اما این گونه نشد. سپس این تصور جاری شد که به سرعت نفر جایگزین تعیین خواهد شد زیرا دولت به مقوله توسعه دریایی اهمیت زیادی می‌دهد که اکنون بعد از یک ماه چشم انتظاری، هیچ خبری از نفر جایگزین مخابره نشده است..

بحث‌ها و تحلیل‌ها از تله‌ای حکایت می‌کند که وزارت راه و شهرسازی در آن گرفتار شده است که نه راه رفت دارد و نه راه برگشت. این تله می‌گوید که وزارت‌خانه بنا به برخورد نامناسبی که با رییس سابق داشته است، برای حفظ اعتبار و ابروی خود هم که شده باید کسی هم‌سنگ یا بالاتر از رییس سابق به ریاست سازمان بنادر و دریانوردی بگمارد. اگر نفر بعدی فردی غیردریایی باشد که مصیبت است و اگر نفر قوی‌تر در نظر بگیرد؛ از گزینه‌های انگشت شماری برخوردار است.

به نظر نمی‌رسد که وزارت‌خانه؛ گزینه محکمی در آستین داشته باشد که اگر داشت تا کنون و با قوت رو می‌کرد. برخی از مرور رزومه یازده نفر سخن به میان می‌آورند که در حال بررسی است. جای تعجب این جاست که برخی از این رزومه‌ها هیچ نام و نشانی از دریا ندارند، بیشتر سیاسی اند تا حرفه‌ای و دریایی.

هر چه هست، وزیر را به چالش بزرگی کشانده است. گیر کرده و گرفتار شده است. قدرت تصمیم و انتخاب ندارد و به همین خاطر، یک ماه گذشت و هیچ ترتیب اثری دیده نشد.

سازمان گل و سبزه

سازمان بنادر و دریانوردی در زمانی که رییس داشت، وضعیت اسفباری از نظر برنامه و چینش نفراتش داشت؛ حال که رییس هم ندارد تصور کنید که وضعیت از چه قرار است. اینجاست که باید گفت: گل بود و به سبزه نیز آراسته شد.

دست وزیر از نفرات حرفه‌ای در حوزه دریا خالی است و انگار قادر به اعتماد هم نیست. تخصص وی در جای دیگر است و حرفه‌ای‌های راه را می‌شناسد اما حرفه‌ای‌های دریا را نه. به همین دلیل، سرپرست کنونی از تخصص راه که مورد شناخت وزیر است آمده است.

سه ماه فرصت سوزی

گویا از قانون سه ماهه سرپرستی، چقدر دیگر باید صبر کرد. سه ماه فرصت سوزی برای توسعه دریایی بسیار سنگین و طاقت فرسا خواهد بود. اما گویا چاره ای نیست. تصور این که اگر این رییس برود، دیگری سریع جایش را پرخواهد کرد، تصور غلطی از آب در آمد. با این وجود باید امیدوار بود که فرد بعدی از حرفه‌ای های دریا باشد؛ و گرنه چندماهی هم کلاس اکابر باید گذاشت تا فرد نورسیده، الفبای دریا و بندر و دریانوردی را یاد بگیرد و مثلا بفهمد آی ام او چیست و تازه بعد از چندین ماه فرصت سوزی دوباره، کورسوهای طرح و برنامه و اقدام خودشان را نشان دهند. این هم شد معنای عملیاتی شعار توسعه دریاپایه ایران.